

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

۲۰۲۶ / ۵ / ۱۷

کандید اکادمیسین سیستانی

شاه امان الله و مقایسه آن با پترکبیر از نظر یک نویسنده ایرانی در ۱۹۲۸



شاه امان الله و ملکه ثریا طرزی در سفر اروپا

نام شاه امان الله، با استقلال و آزادی خواهی، ضدیت با استعمار، تجدد طلبی، قانون مداری (عدالت خواهی)، تساوی حقوقی احاد جامعه، و تعمیم معارف و تعلیم مجانی برای اتباع کشور و حمایت از حقوق زنان گره خورده است.

شاه امان الله، با گرفتن استقلال افغانستان از بریتانیا بحیث یک زعیم ضد امپریالیستی در جهان اسلام از محبوبیت و منزلت فوق العاده ای برخوردار شد تا آنجا که در سال ۱۹۲۰ برای مسلمانان هند، افغانستان قلب اسلام به حساب میآمد و امان الله خان را پادشاه خود می دانستند. (ریه تالی استوارت، آتش در افغانستان، ص ۳۲)

"مصری ها امان الله خان را شخص دموکرات و دوستدار ملتش و رمز آزادی و مبارزه علیه استعمار انگلیس برای ملت مصر و شرق می دانستند." (فضل غنی مجددی، افغانستان در عصر اعلیحضرت امان الله خان، چاپ امریکا، ص ۳۳۰)

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني دلیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

پروفسر آدمک افغانستان شناس معروف امریکائی درباره امان الله نوشته میکند: «امان الله بحیث قهرمان ملی افغانستان شناخته شد. خاصاً هنگامیکه موفقانه امپراطوری بریتانیا را شکست داد. و آزادی مطلق افغانستان را بدست آورد و به جهان برسمیت شناخته شد.» (افغانستان در نیمه اول قرن بیستم، ترجمه پوهاند محمدفاضل صاحب زاده، چاپ دوم، ص ۱۹۶)

به قول حمزه واعظی پژوهشگر شناخته شده هزاره «اگر نقش بزرگ امان الله خان را در تأمین استقلال سیاسی افغانستان و اراده خلل ناپذیرش را در پیشرفت و نوسازی این کشور فقیر و عقب مانده اضافه نماییم، آشکارا دلیل شیفتگی مسلمانان هند، احترام عمیق بزرگان مصر، استقبال پرشکوه اروپاییان و تجلیل پر عظمت ترکیه و ایران را در این سفر، از این شاه ترقی خواه درمی یابیم.» (نقدی بر کتاب: گزارش سفر امان الله خان به کشورهای اروپایی، ترجمه سید عزیز الله مرموز)

ابوالقاسم وثوق مهندس، یکی از نویسندگان ایرانی مقیم آلمان به پیشواز ورود شاه امان الله به آلمان در ۱۹۲۸، مقاله بس ارزشمندی، در مجله علم و هنر ایرانیان مقیم برلین به نشر سپرد و در آن خبر ورودش را به کشور آلمان به هموطنان خود مژدگانی داد و در باره شخصیت دینامیک و پویای شاه امان الله توضیحات داده او را با پتر کبیر روسیه از قول سن سیمون مورخ مشهور فرانسوی به مقایسه گرفته است.

نویسنده از ورود شاه افغان چنان شادمانی میکند که سجده شکر بجا می آورد و احساس خود را چنین بیان میکند: «ما مشرق زمین را نیز سزد که به درگاه خالق بیچون سجده شکر بجای آوریم که ما را هم پس از قرنهای بیچارگی و ناامیدی یکباره بدون انتظار از یک طرف فرصت ترقی و رستگاری آزاد و از طرف دیگر مردان زبده و قوی پنجه ای که گوئی مشیت الهی مخصوصاً برای انجام این مقصود عالی و منظور بلند تدارک نموده تفضل فرموده است... اعلیحضرت امان الله خان به کالبد ملک و ملت خود جان و روان تازه دمیده و اینک نیز مانند پتر کبیر فقط و فقط به قصد درک و اخذ وسایل سعادت مندی ملت خود نه برای تعیش و خوشگذرانی چنانکه متأسفانه عادت سلاطین و بزرگان مشرق زمین بوده تشریف فرمای اروپا گردیده اند. این پادشاه جوان کاردان و کارفرما چنانکه در تمام نشریات و جراید و مجلات دیده می شود از دقیقه که قدم از مملکت خود بیرون نهاده، تا امروز پیوسته مشغول معاینه و ملاحظه و مشاهده آثار علمی و فنی اروپا بوده و در این راه براستی یک ثبات و استقامت خستگی ناپذیر فوق العاده مشهود داشته اند که کمتر نظیر آن دیده شده است.

ما و تمام کسانی که اعلیحضرت امان الله خان را می شناسند یقین قطعی داریم که میل و رغبت ایشان در اخذ و تعمیم و ترویج ترقیات اروپا در مملکت خود کمتر از پتر کبیر نیست و امیدواریم که همانطور که زحمات و خدمات پتر کبیر اساس عظمت و شکوه روسیه گردید، افغانستان نیز در نتیجه مساعی پادشاه ملت دوست خود و در پرتو همت و شهامت او به زودی درجات عالی ترقی و خوشبختی و رفاه نایل گردد. کارکنان مجله «علم و هنر» از صمیم دل و جان و با یک خلوص نیت و صفای باطن برادرانه تبریکات و تمنیات بی ریای خود را تقدیم ملت محترم و محبوب افغانستان به داشتن چنین پادشاه رعیت پرور و خسرو بزرگ و سرور بزرگواری داشته و یقین و ایمان کامل دارند که در کنف حمایت و مساعی این شهریار معظم به زودی به مراتب عالی سیادت نایل گردند.» (مقاله عزیزگذرگاه، در افغان جرمن آنلاین ۲۰۱۴)

یادآوری از محبوبیت و شهرت نیک یک شخصیت ملی که آوازه کارنامه های خوب و ماندگارش تا اقصای نقاط جهان رسیده و یک نویسنده ایرانی که هیچگونه پیونداتنیکی و قومی با شاه امان الله نداشته است تا این حد از ورودش به آلمان ابراز خوشحالی میکند، چرا ما به عنوان یک هموطن اعلیحضرت امان الله به وجود یک چنین شخصیت آگاه و آزادیخواه مباحات و افتخار نکنیم چنین ابراز احساسات هرگز به معنای شخصیت پرستی نیست!

یک شاعر ایرانی بنام سمیعان ریحان هنگام ورود شاه امان الله به تهران پس از سفر اروپائی اش و استقبال گرم مردم ایران از شاه و ملکه ثریا طرزی قصیده ای سروده، که چندبیت آن اینجا نقل میشود تا هموطنان ما با خواندن آن بوجود چنین پادشاه مترقی و تجدد خواه بخود ببالند.

تا جلوه کرد کوکبه شاه نامدار	خورشید رشک برد از این شهر و این دیار
ای ملک جم بناز بر این طالع بلند	ای آسمان بیال بر این خوب روزگار
شاه جوان امیر امان الله بزرگ	تا از وفا بجانب این ملک بست بار
روی زمین ز مقدم او گشت مشک بیز	باد صبا ز موکب او گشت مشکبار
مهر بلند مرتبه، بانوی مهر ور	ماه سپهر کوکبه، سلطان نامدار
ای شهریار عادل و معبود مرد و زن	وی دوستدار مردم و محبوب کردگار
ای عاشق تجدد و ای دوستدار دین	ای تکیه گاه ملت و ای شمسۀ تبار
مائیم و نقد جان که بود در کف خلوص	این هدیه نیست گر چه تو را لایق نثار
ای خسروی که بهر ترقی ملک خویش	بیرون شدی ز کاخ و سفر کردی اختیار
از بهر عیش و نوش نکردی تو این سفر	رفتی که علم و دانش و صنعت کنی شکار
ای شاه! ملت تو، و ایران، برادرند	در این دو اختلاف نباشد به هیچ کار
گر مسلمی ز رنج بگرید به اصفهان	نالد ز درد مومن دیگر به قندهار
ای خاک با طراوت افغان زمین پاک	ای جایگاه غیرت و ملیت فخار
خوش باش زینکه خسرو دیندار میرسد	از راه دور جانب آن شهر و آن دیار

فرخنده موکب شاه افغان ازین سفر

خوشدل رود بسوی وطن شاد و شادخوار

(از کتاب سفرهای شاه امان الله به اروپا نوشته عزیزالدین وکیلی پوپلزائی)

به نظر من یادکرد از محبوبیت و صفات نیک یک زعیم ملی افغان که الگوی آزادیخواهی و استقلال طلبی و ضد استعمار و ارتجاع و حامی بزرگ نهضت زنان درکشور بود، نه تنها به معنای «شخصیت پرستی» نیست بلکه قدردانی معقول و بجا از یک نماد ملی و تاریخی کشور است.

آمان الله خان در میان مردم آنقدر شخصیت محبوب و دوست داشتنی بود که وقتی از سلطنت استعفا داد و ارگ کابل را بقصد قندهار ترک نمود، مردم شریف و دلیر هزاره مثل مردم شجاع وردک و میدان و غوربند و تگاب و وزیرستان و قندهار و غیره، مدت هفت ماه تمام به حمایت از آزاد منشی و عدالت گستری شاه امان الله، از قربانی دادن سر و مال خود، در راه اعاده تاج و تخت سلطنت به شاه امان الله دریغ نکردند. اما آن شاه مردم دوست، که نمیخواست سلطنت را با خونریزی بدست آورد، برای جلوگیری از جنگ میان افغانها کشور را ترک گفت، درحالی که بیشترین مردم قدر شناس افغانستان تا روز (۲۳ میزان ۱۳۰۸) که سپهسالار نادرخان، خود را نادرشاه اعلان کرد، همچنان

امیدوار بودند که این همه جنگها و جانبازي ها با بچه سقو براي بازگشت شاه امان الله غازي صورت گرفته است، نه براي به اقتدار رساندن نادرخان. (به كتاب: تذكر الانقلاب فيض محمدكاتب و كتاب « تاريخ استقلال و نجات افغانستان» از جنرال يار محمدوزيري رجوع شود)

اين از جان گذشته گي مردم بخاطر اعاده قدرت به شاه امان الله، بيانگر اين واقعيت است كه هنوز در دره ها و واديهاي كابل و قندهار و اطراف كوه هاي سليمان و سپين غر، مردمان وجود داشته اند كه قدر آن شاه ترفيخواه و معارف دوست را ميدانستند و از رژيم چپاول و تاراج و تجاوز سقوي نفرت داشتند و اين نفرت را هيچگاهي پنهان نميكردند.

براي يك رهبر سياسي، چه شاه و چه امير و چه رئيس جمهور، افتخاري بزرگتر از اين نيست كه وقتي بر اثر توطئه و دسايس دشمن، از قدرت كنار زده شود، ولي مردم به دفاع از او برخيزند و براي اعاده سلطنتش، بدون چشمداشت يك حبه و ديناري، ۷ ماه تمام سر بدهند ولي سنگر ندهند. و كسي كه چنين افتخاري را از جانب ملتش نصيب گرديد، شاه امان الله غازي بود. ختم

آرشيف: مقالات كاندید اکادميسن سيستاني